



امارت اسلامی افغانستان



ستره محکمه

ریاست عمومی دارالانشاء

آمریت تحریرات

بخش متحدالمال

شماره متحدالمال: ۱

تاریخ: ۲۶ / محرم الحرام / ۱۴۴۵ هـ ق
مصادف: ۲۱ / اسد / ۱۴۰۲ هـ ش

عاجل عادی اطمینانیه ابلاغیه سایر

به منسوبین محترم ریاست های تمیزها، دیوان ها، محاکم مرافعه و ابتدائیه امارت اسلامی افغانستان!
السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

وبعد: بعضی از محاکم چنین سوال داشتند که: (آیا گروهی مانع تطبیق می گردد یا خیر؟) موضوع متذکره بعد از طی مراحل اصولی در جلسه مورخه ۱۴۴۴/۱۲/۱۷ هـ ق مقام محترم شورایعالی ستاره محکمه مطرح گردید و به اساس فیصله پنجم تصویب نمبر (۴۵) مقام محترم شورایعالی چنین هدایت فرمودند:

(اینکه مرتبه نیز یک دائن میباشد، آیا وی در حکم دین با دائنین دیگر یکسان میباشد یا خیر؟ ریاست عمومی تدقیق و مطالعات پیرامون موضوع صورتهای مفصل و مدلل بیع و استحقاق را ترتیب نموده و در جلسه آینده شورایعالی مطرح نمایند.)
ریاست عمومی تدقیق و مطالعات مطابق هدایت شورای محترم عالی ستاره محکمه در مورد موضوع متذکره نظر ارائیه نمودند که نظر ارائیه شده در جلسه مورخه ۱۴۴۴/۱۲/۲۴ هـ ق مصادف ۱۴۰۲/۴/۲۱ هـ ش شورایعالی ستاره محکمه مطرح گردید که به اساس فیصله سوم تصویب نمبر (۴۶) چنین هدایت صادر گردید:

((مسئله ترتیب شده (گروهی مانع تطبیق نمی گردد) از جانب ریاست عمومی تدقیق و مطالعات با صورتهای تفصیلی آن تأیید است، ریاست عمومی دارالانشاء طی متحدالمال به تمامی محاکم ارسال نمایند.))
بناءً هدایت تحریری فوق مقام محترم شورایعالی ستاره محکمه و مسئله ترتیب شده از جانب ریاست عمومی تدقیق و مطالعات ضم متحدالمال هذا در قید (۲) ورق به ریاست های مربوط ستاره محکمه تمیزها، دیوانها، محاکم مرافعه و ابتدائیه امارت اسلامی افغانستان ارسال گردید تا در روشنی آن اجراءات شرعی و اصولی مرعی گردد.

با احترام

۲۴
۱۳۴۵ هـ ق

مفتی عبدالرشید "سعید"

رئیس عمومی دارالانشاء

ستره محکمه



Address: Public health Square 9th District, Kabul-Af



Phone: 020230۱۱۳۸

Post box: 1989

Website: www.supremecourt.gov.af

آدرس: چهار راهی صحت عامه، ناحیه نهم، کابل - افغانستان

تلفون: ۰۲۰۲۳۰۱۱۳۸

پست بکس: ۱۹۸۹

secretariat@supremecourt.gov.af

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تأیید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

نظر تدقیقی ریاست عمومی تدقیق و مطالعات ستره محکمه!

مکتوب شماره (۱۸۹۹/۹۷۵) مؤرخ ۱۴۴۴/۱۲/۲۰ هـ ق به هدف نظر تدقیقی به این ریاست مواصلت ورزیده است که با شماره (۲۲۰۲) مؤرخ ۱۴۴۴/۱۲/۲۱ هـ ق در کتاب استهداآت قید گردیده است.

مکتوب چنین صراحت دارد:

و بعد به تعقیب مکتوب شماره (۱۷۴۲) مؤرخ ۱۴۴۴/۱۱/۲۱ هـ ق ریاست عمومی دارالانشاء احتراماً مینگاریم:

بتاریخ ۱۴۴۴/۱۲/۱۷ هـ ق، مصادف ۱۴/سرطان/۱۴۰۲ هـ ش، جلسه شورای عالی ستره محکمه به رهبری رئیس محترم ستره محکمه و قاضی القضاة صاحب امارت اسلامی افغانستان دایر گردید که موضوع پنجم جلسه یاد شده چنین بود: ((بتأسی از فیصله هشتم تصویب شماره (۳۹) مجلس مؤرخ ۱۴۴۴/۱۰/۲۷ هـ ش، شورای عالی ستره محکمه هدایت فرموده بودند که (این موضوع (آیا گروهی مانع تطبیق میگردد یا خیر؟) به ریاست عمومی تدقیق و مطالعات فرستاده شود تا در مورد آن نظر خود را ابراز نمایند که بعداً موضوع را درمجلس شورا عالی مورد بحث قرار خواهیم گرفت) ریاست عمومی تدقیق و مطالعات طبق هدایت متذکره نظر خویش را ابراز نموده، و نگاشته بودا که در صورت مندرج یا متذکره گروهی مانع تطبیق نمی گردد. که موضوع در مجلس مؤرخ ۱۴۴۴/۱۱/۱۸ هـ ق مطرح گردید و در مورد آن شورا عالی هدایت فرموده نموده بودند که: ((تحقیق بیشتر در مورد مسئله متذکره صورت گیرد، صورت استحقاق، صورت دین با حواله جزئیات تحریر گردد. بعداً موضوع را در مجلس بعدی شورای عالی مورد بحث قرار خواهیم گرفت داد.)) ریاست عمومی تدقیق و مطالعات مطابق هدایت درج شده جواب را ترتیب نموده است و معاونیت محترم اداری نیز نظر خویش را در مورد ارسال داشته است، که درباره آن چگونه ترتیب صورت گیرد؟

بتأسی از فیصله پنجم تصویب شماره (۴۵) مؤرخ ۱۴۴۴/۱۲/۱۷ هـ ق، مصادف ۱۴/۴/۱۴۰۲ هـ ش، شورای عالی ستره محکمه در موضوع فوق الذکر چنین هدایت فرمودند:

((اینکه مرتبه نیز یک دائن است، آیا وی در حکم دین با دیگران یکسان است یا خیر؟ در این مورد ریاست عمومی تدقیق و مطالعات هر دو صورت بیع و استحقاق را مدلل و مفصل تحریر و بعداً آن را در شورای آینده تقدیم یا پیشکش نماید.))

بناءً هدایت تحریری م فوق الذکر شورای عالی ستره محکمه ذریعه مکتوب هذا به مقام محترم شما غرض اجراءات بعدی ارسال گردید.

نظر تدقیقی:

نظر تدقیقی پیرامون مکتوب فوق الذکر ریاست دارالانشاء:

در صورتیکه مرهون در دین دائنین بفروش رسانیده میشود، یا به استحقاق برده میشود، حکم تفصیلی آن قرار ذیل میباشد:

حکم دین

1. اگر حقوق دائنین بالای راهن شرعاً ثابت گردد و قاضی صاحب امر بیع مرهون را مطابق شریعت بدهد یا خودش بعد از طی مراحل اصولی مرهون را به طریقه شرعی بفروش برساند، بعداً ثمن دارای سه حالت است یا دارد:

این سند توسط سازمان بین المللی انکشاف حقوق (IDLO) برای پروژه دیده بان حاکمیت قانون افغانستان (ARLO) ترجمه شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد ARLO، لطفاً از وب سایت ما www.arlo.online دیدن کنید.

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تأیید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

اول: ثمن اضافه تر از دین مرتهن باشد.

دوهم: ثمن کمتر از دین مرتهن باشد.

سوم: ثمن مساوی دین مرتهن باشد.

در همه صورت ها، از ثمن های مذکوره دین مرتهن قبل از همه دائنین تادیه وادا میشود.

بعداً، اگر صورت اول بود (یعنی ثمن اضافه شد) بالای سایر دائنین از به طریق شرعی (مطابق حصص) تقسیم میگردد و اگر صورت دوم بود (یعنی دین مرتهن با ثمن ها تادیه نه شد) مرتهن با دائنین باقیمانده در اموال دیگر راهن مساوی است و حکم سوم واضح است.

حکم استحقاق:

2. در صورت استحقاق مستحق (بعد القضاء أو الرضاء) مرهون معین مستحق را دریافت میکنند؛ زیرا برای نفاذ رهن شرط است که راهن باید مالک مرهون باشد. اگر مالک اش نباشد، در مرهون متذکره (همانند بیع ملک الغیر) بدون اجازه مالک رهن نفاذ نمی باشد.

بناءً، هرگاه مرهون در دین بفروش رسانیده میشود، اولاً از آن حق مرتهن (موافق تفصیل فوق) تأمین میشود و هرگاه مرهون به استحقاق برده میشود، مستحق نسبت به دائنین (در حصه مستحق) حقدارتر است.

دلایل قسم اول:

«مجله الأحكام العدلیة» (ص ۱۳۸):

«(المادة ۷۲۹) حُكْمُ الرَّهْنِ أَنْ يَكُونَ لِلْمُرْتَهِنِ حَقُّ حَبْسِ الرَّهْنِ لِحَبْسِ فَكَاكِهِ وَأَنْ يَكُونَ أَحَقُّ مِنْ سَائِرِ الْغُرَمَاءِ بِاسْتِيفَاءِ الدَّيْنِ مِنَ الرَّهْنِ إِذَا تَوَفَّى الرَّاهِنُ».

«درر الحکام فی شرح مجله الأحکام» (۱۵۳/۲):

« وَقَوْلُهُ (أَحَقُّ مِنْ سَائِرِ الْغُرَمَاءِ) يَعْنِي أَنْ سَائِرَ غُرَمَاءِ الرَّاهِنِ لَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَتَدَاخَلُوا فِي الرَّهْنِ الْمَذْكُورِ أَوْ أَنْ يَدْخُلَ فِي قِسْمَةِ الْغُرَمَاءِ. سِوَاءَ أَكَانَ الرَّاهِنُ تُوفِيٍّ أَمْ حَيًّا أَمْ مُفْلِسًا فَالْحَالَةُ هَذِهِ تَعْبِيرٌ (وَفَاءَةً) الْوَارِدُ فِي الْمَجْلَةِ لَيْسَتْ رَازِيًا احْتِرَازِيًا.

المَسْأَلَةُ الْمُتَفَرِّعَةُ عَلَى الْحُكْمِ الثَّانِي: وَفِي هَذَا التَّقْدِيرِ يُبَاعُ الرَّهْنُ وَيُوفَى الدَّيْنُ كَامِلًا مِنْ ثَمَنِهِ، فَإِذَا بَقِيَ مِنْهُ شَيْءٌ يُقَسَّمُ غَرَامَةً بَيْنَ سَائِرِ الْغُرَمَاءِ وَإِذَا لَمْ يُوَفَّ ثَمَنُهُ دَيْنَ الْمُرْتَهِنِ يَسْتَوْفِي الْمُرْتَهِنُ بَاقِيَ الدَّيْنِ غَرَامَةً مِنْ سَائِرِ أَمْوَالِ الرَّاهِنِ (فَتَاوَى ابْنِ نُجَيْمٍ وَالْبِرَازِيَّةُ).

«الفتاوى الهندية» (۴۳۳/۵):

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

«فَإِذَا مَاتَ الرَّاهِنُ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ مِنْ سَائِرِ الْغُرَمَاءِ فَيَسْتَوْفَى مِنْهُ دَيْنَهُ فَمَا فَضَلَ يَكُونُ لِسَائِرِ الْغُرَمَاءِ وَالْوَرَثَةِ، وَلَوْ مَاتَ وَأَفْلَسَ وَعَلَيْهِ دَيْنٌ يَكُونُ الْمُرْتَهِنُ أَحْصَى بِهِ مِنْ سَائِرِ الْغُرَمَاءِ كَذَا فِي مُحِيطِ السَّرْحِيِّ.»

دلایل قسم دوم:

«فقه المعاملات» (۲۷۲/۱) بترقیم الشاملة آلیا):

«(أن يكون مملوكا للراهن محوزا) وهذا ليس شرطا لجواز أو صحة الرهن، وإنما هو عند الحنفية والمالكية شرط لنفاذ الرهن، وبه يعرف حكم رهن مال الغير.

فيجوز رهن مال الغير بغير إذن بولاية شرعية كالأب والوصي، يرهن مال الصبي بدينه، وبدین نفسه.

ويجوز رهن مال الغير بإذنه، كالمستعار من إنسان ليرهنه بدین علی المستعير.

فإن لم يكن هناك إذن من المالك بالرهن، كان الرهن كالبيع موقوفا علی الإجازة، فإن أجاز نفذ وإلا بطل.»

«الموسوعة الفقهية الكويتية» (۲۲۶/۳):

«إِنْ اسْتَحَقَّ الْمُرْهُونُ الْمَعِينُ كُلَّهُ بَطَلَ الرَّهْنُ اتِّفَاقًا، وَإِنْ اسْتَحَقَّ الْمُرْهُونُ الْمَعِينُ قَبْلَ الْقَبْضِ خَيْرَ الْمُرْتَهِنِ بَيْنَ فسخِ عَقْدِ الْمُدَايَنَةِ مِنْ بَيْعٍ وَنَحْوِهِ، وَبَيْنَ إِمْضَائِهِ مَعَ إِقْبَاءِ الدَّيْنِ بِلَا رَهْنٍ، وَكَذَلِكَ يُخَيَّرُ الْمُرْتَهِنُ إِنْ كَانَ الْإِسْتِحْقَاقُ بَعْدَ الْقَبْضِ وَعَرَهُ الرَّاهِنُ، فَإِنْ لَمْ يَغْرُهُ بَقِيَ الدَّيْنُ بِلَا رَهْنٍ وَإِنْ كَانَ الْمُرْهُونُ غَيْرَ مُعِينٍ وَاسْتَحَقَّ بَعْدَ قَبْضِهِ أُجْبِرَ الرَّاهِنُ عَلَى الْإِثْيَانِ بِرَهْنٍ بَدَلَهُ عَلَى الْقَوْلِ الرَّاجِحِ، وَلَا يُتَصَوَّرُ اسْتِحْقَاقُ غَيْرِ الْمَعِينِ قَبْلَ قَبْضِهِ.»

با احترام

مولوي عبدالکريم الكريمي

مدقق قضايی

مولوي حمد الله محمدي

مدقق قضايی

مفتي حزب الله ابراهيمي

رئيس عمومي تدقيق و مطالعات